صوری و سخی تری از هر احدی که سوال کرده شود از و کشاده تری از
روی عطا از هر احدی که عطا کند توی پادشاه حقیقی نیست هیچ شریکی
مر ترا در ملک و توی فردای واحد بذات منفرد در صفات بی نیاز مستغنی
از غیر خود نیست هیچ همتا و مانند در ذات ترا هر موجودی که هست فنا
پذیر است مگر ذات تو و قبل هر چیزی از مخلوقات هالک است و معدوم
پس موجود و باقی می گردد اما قیاس ذوات فانیه است بر اعراض
که بالاتفاق بقا ندارند رسول خدا فرموده است که صادق ترین
اقوال قول لبید است ع الا کل شیء ما خلا الله باطل و اطاعت
کرده نمی شوی مگر به سبب اراده و امر تو و بتوفیق و رضای تو و معصیت
کرده نمی شوی مگر بعلم تو که عاصی قابل توفیق نیست و درین اشارت است بسوی
انکه معصیت باذن و امر خدا نیست مع ان الکل بارادته و علمه اطاعت
کرده میشوی پس جزا می دهی و راضی می شوی و عصیان کرده می شوی پس مغفرت
می کنی اگر میخواهی یا عقوبت می کنی پس از باب اکتفا است و عکس نفرمود برای
اشارت بسوی غلبه رحمت و کثرت مغفرت یا انکه بر وفق مقتضای مقام
حمد است تو قریب تری هر حاضری قال الله تعالی و نحن اقرب الیه من حبل
الورید یا شهید بمعنی عالم است ای تو قریب تری از روی علم از هر دانای که باشد
گفته اند علم خدا را اگر مطلق اعتبار کنند علیم خوانند و اگر نسبت با مور باطنه
کنند خبیر گویند و نسبت با مور ظاهره شهید نامند و نزدیک تری بجمیع موجودات
از حبس هر انچه نهاده که باشد پس ادنی منتهی است از دنو حائل و مانعی نزد دلها
مردم که انچه مراد مردم است دلها را از ان حرف می کنی قال الله تعالی ان الله

یحول

یحول بین المرء و قلبه ای یمنعه و یحجبه عن مراده و لذا قیل عرفت الله
بفسخ العزائم و در تفسیر جلالین است فلا یستطیع ان یؤمن او یکفر الا
بارادته و قیل از روی علم متحرک گردد دلها و محیط است بدلها غالب و قادر بر
تصرف جمیع اشیا زیرا که گرفتن مویهای پیشانی کنایت است از غلبه تام
و تصرف کامل و منه قوله تعالی و ما من دابة الا هو اخذ بناصیتها لیکن معنی
حدیث اعم است زیرا که مراد نواصی جمیع اشیاست و محتمل که ذکر دابه در آیه
کریمه تغلیب باشد پس کلمه با بالنواصی برای تعدیت است و نوشته اثار بندگان را
ای هر عمل و قول که باشد نیک یا بد در لوح محفوظ یا نزد نفخ صور پس لام الاثار
برای استغراق است و نوشته اجلهای بندگان و عمرهای ایشان مانند اثار فرموده
اذا جاء اجلهم لا یستاخرون ساعة یا نسخ و تبدیل کرده اجال معهوده را
از وقتی بسوی وقت دیگر چنانکه زید مثلا اگر حج خواهد کرد عمرش پنجاه سال است
و اگر حج و غزا خواهد کرد عمرش هفتاد سال است پس در ادای حج تجاوز از پنجاه
سال نخواهد کرد و در صورت جمع میان حج و غزا به هفتاد سال خواهد رسید پس
لام الاجال برای عهد است و موید این معنی است حدیث الدعاء یزید فی
العمر و کذا البر و الصدقة کما هو مشهور و کشاده دلهای مومنان برای انقیاد تو
منشرح و شاد است زیرا که افضا بمعنی اتساع است و در نسخ الیت مفضیة
از افضا رت ظاهرا التصحیف است کذا فی بعض الشروح و مستور از نزد تو
مانند انکار است در حق تعلق علم تو حلال چیزی است که حکم کرده بحلیت آن
و حرام چیزی است که حکم فرموده بحرمت ان یعنی حسن و قبح اشیا شرعی است
رد است بر جماعه که عقلی می گویند و دین چیزی است که مشروع گردانیده و جان

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)